

مطالعه تطبیقی ارزش‌های تربیت فرزند در آسیای میانه، خاورمیانه و شمال آفریقا*

A Comparative Study of Child Rearing Values in Central Asia, the Middle East and North Africa

A. Madanipour, M. A. ✉

Z. Rostami

M. Madandar

علی معدنی پور ✉

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

زهرا رستمی

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)

مژگان معدن‌دار

کارشناس علوم اجتماعی دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۸۷/۱۱/۲۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۸/۶

پذیرش مقاله: ۸۹/۱۰/۲۸

Abstract

In the contemporary world, the phenomenon of globalization has been leading to more similarities in many aspects of social life at different levels. But there are many differences among countries yet. The present research concentrates on the child rearing values. Nine characteristics of importance in the process of socialization have been studied.

چکیده:

در جهان امروز با وجود شباهت‌های زیادی که در نتیجه پدیده جهانی شدن در ابعاد و سطوح مختلف زندگی اجتماعی روی داده، هنوز شاهد تفاوت‌های قابل توجهی در ابعاد و سطوح مختلف زندگی اجتماعی هستیم. مسئله اصلی این پژوهش ارزش‌های تربیت فرزند است که با توجه به تئوری‌های مختلف، ۹ ویژگی مهم از سوی والدین در جریان جامعه‌پذیری کودکان مطرح نظر قرار گرفته است.

* این پژوهش با حمایت پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی به انجام رسیده است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی

تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۴۶۰ دورنما: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۷۰۹

پست الکترونیکی: a.madanipour@gmail.com

✉ Corresponding Author: Department of Sociology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Tel: +9821-29902460

Fax: +9821-22431709

Email: a.madanipour@gmail.com

The main question is 'what are the important child rearing values?' Then similarities and differences among the targeted countries are discussed. The research method is second analysis. Data are from the fourth wave of the world value survey. The sample consists of 14 countries from Central Asia, the Middle East and North Africa whose data were available. Findings show that the child rearing values in Central Asia is different from those of the Middle East and North Africa. In addition, there are significant differences in the importance of all the values amongst the countries under study.

KeyWords: child rearing values, family, socialization, comparative study, Central Asia, Middle East, North Africa.

هدف اصلی پژوهش پاسخ به این سؤال است که مهم‌ترین ارزش‌هایی که در کشورهای مورد بررسی در خصوص تربیت فرزندان وجود دارند چه هستند؟ آن‌گاه در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که بین هر کدام از کشورها وجود دارند، بحث می‌شود. روش تحقیق به صورت تحلیل ثانویه می‌باشد. داده‌ها از پیمایش جهانی ارزش‌ها (WVS) و از موج چهارم آن به دست آمده است. نمونه تحقیق شامل ۱۴ کشور از مناطق آسیای میانه، خاورمیانه و شمال آفریقا که داده‌های آن‌ها موجود بود، می‌باشند. نتایج نشان می‌دهند که با وجود برخی اشتراکات، الگوی ارزشی در خصوص تربیت فرزند در آسیای میانه با الگویی که در خاورمیانه و شمال آفریقا وجود دارد کمی متفاوت است. به علاوه یافته‌ها نشان می‌دهند که بین کشورهای مورد بررسی در خصوص اهمیت هر کدام از ارزش‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های تربیت فرزند، خانواده، جامعه‌پذیری، مطالعه تطبیقی، آسیای میانه، خاورمیانه و شمال آفریقا

مقدمه

خانواده در جهان مدرن با وجود نهادهای آموزشی هنوز هم به عنوان پایه‌ای‌ترین نهاد آموزش و جامعه‌پذیری به شمار می‌رود. طبعاً ارزش‌هایی که در خانواده به فرزندان انتقال می‌یابند تأثیرات عمیقی در سطوح خرد و کلان در جامعه بر جای می‌گذارند. مارینی^۱ (۲۰۰۰) می‌گوید ارزش‌ها باورهای ارزیابی شده‌ای هستند که عناصر شناختی و تأثیرگذار را ترکیب می‌کنند تا به مردمی که در این جهان زندگی می‌کنند، جهت دهند (هیتلین، ۲۰۰۶: ۲۷). امروزه با روند جهانی شدن هنوز هم تفاوت‌های زیادی در برخی ارزش‌های خانوادگی بین کشورهای مختلف حتی در میان خود کشورهای غربی وجود دارد. هدف این طرح پژوهشی بررسی مهم‌ترین ارزش‌های خانوادگی در بین کشورهای خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیای میانه به صورت مقایسه‌ای می‌باشد. سؤال اصلی این است که از دیدگاه مردم ارزش‌های غالب خانوادگی که باید به کودکان آموخته شود در هر کدام از

کشورهای مورد بررسی چیستند؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین این کشورها از حیث این ارزش‌ها وجود دارند؟ تمرکز به ارزش‌ها و آرزوهای افراد از نقطه‌نظر دوره‌های زندگی هم اهمیت دارد. چرا که همان‌طور که شاناهان^۲ (۲۰۰۰) می‌گوید این مسئله بازتاب علاقه به این است که افراد چه‌طور اهداف زندگی‌شان را شکل می‌دهند و دنبال می‌کنند (هیتلین، ۲۰۰۶: ۲۵).

مطالعه ارزش‌های جامعه‌پذیری که والدین در تربیت فرزندان به آن‌ها توجه دارند هسته مرکزی مطالعات خانواده و نابرابری اجتماعی را تشکیل می‌دهد. ارزش‌های جامعه‌پذیری نه تنها رفتار والدین را در تربیت فرزند توضیح می‌دهند، بلکه به ایجاد نظام ارزشی فرزندان و رفتارهای آن‌ها کمک می‌کنند. این مسئله در نتایج و پیامدهای آینده مثل شانس‌های زندگی و راه‌های موفقیت، تعیین‌کننده است. بنابراین مطالعه ارزش‌های جامعه‌پذیری، دانش ما از جریان بازتولید پایگاه و تحرک اجتماعی را تقویت می‌کند (زیو، ۱۹۹۹: ۶۴۱).

لاستر، رادس و هاس تلاش کردند تا بر اساس مطالعات کوهن (۱۹۷۷) رابطه ارزش‌های والدینی را با شیوه‌های والدینی بررسی کنند. در سال ۱۹۶۳ کوهن نشان داد که والدین بر اساس طبقه‌ای که عضو آن هستند، ارزش‌های متفاوتی در خصوص ویژگی‌های فرزندان خواهند داشت و این تفاوت‌ها در رفتار آن‌ها هم نمود می‌یابد. این جریان همان‌طور که سکاس (۱۹۷۹) نشان داده است در دیگرام زیر مشخص است:

طبقه اجتماعی ← شرایط زندگی ← ارزش‌های والدینی ← رفتار والدینی

لاستر و همکاران با استناد به نظر کوهن می‌گویند: تأکید والدین طبقات پایین بیشتر بر ارزش‌های سازگاری مثل اطاعت و رفتار خوب می‌باشد. اما والدین طبقات بالا بیشتر بر ارزش‌های خوداتکایی مثل خودکنترلی و احساس مسئولیت تأکید می‌کنند. آن‌ها تأکید می‌کنند که این فرضیه مادامی که برخی متغیرها مثل زمینه‌های ملی، زمینه‌های مذهبی، میزان شهری شدن، منطقه جغرافیایی کشور، نژاد و... از نظر آماری کنترل شده باشند، همیشه معنادار است (لاستر، رادس و هاس، ۱۹۸۹: ۱۳۹). در واقع مدل اصلی آن‌ها به این شکل است که اعتقاد والدین در مورد شیوه فرزندپروری مناسب به عنوان متغیری واسطه‌ای بین ارزش‌های والدینی و رفتار والدینی در نظر گرفته شده است. اعتقادات در مورد فرزندپروری در این‌جا به این معناست که چه‌طور آن‌ها می‌توانند در دستیابی فرزندان‌شان به نتایج و اهداف ارزشمند مؤثر باشند. بنابراین بنا به نظر آن‌ها می‌توان این مدل را ترسیم نمود (لاستر و همکاران، ۱۹۸۹: ۱۴۰):

طبقه اجتماعی ← ارزش‌های والدینی ← اعتقادات فرزندپروری ← رفتار والدینی

لاستر و همکاران (به‌نقل از گریس، دکوویک و جانسنس، ۱۹۹۷) نیز معتقدند مادرهایی که خودمختاری برایشان ارزش است، وقتی بچه‌هایشان به کشف و جستجو در محیط می‌پردازند، کمتر آن‌ها را محدود می‌کنند؛ در مقابل مادرانی که می‌خواهند سازگاری را به بچه‌هایشان القا کنند، به

شدت آن‌ها را محدود می‌کنند (گریس، دکوویک و جانسنس، ۱۹۹۷: ۸۳۵). جانسنس و گریس (به نقل از گریس و همکاران، ۱۹۹۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که والدینی که گرایش‌های سازگاران دارند در رفتار فرزندپروری خود بیشتر محدودکننده و کمتر حمایت‌کننده هستند (گریس و همکاران، ۱۹۹۷: ۸۳۵).

یروود که به توصیف روند تربیت فرزندان در خانواده‌های مهاجر جامائیکا در ایالات متحده پرداخته است، نشان داد که حافظه تاریخی آن‌ها و نحوه تربیت خود والدین بر نوع تربیت فرزندان آن‌ها تأثیر می‌گذارد. مضافاً این‌که یکی دیگر از متغیرهای مهم، فرهنگ مسلط کنونی است. مهم‌ترین ارزش‌هایی که این والدین بر آن‌ها تأکید داشتند عبارت بودند از مذهبی بودن، ادب، دانایی، باکفایت و با عرضگی (یروود، ۲۰۰۱: ۷). بر اساس نظر اوگبو (۱۹۸۱) تربیت فرزند (فرزندپروری) جریانی است که والدین و دیگر کارگزاران، شایستگی‌ها و قابلیت‌های موجود را توسط فرهنگی که دارای وظایف بارز بزرگسالان است انتقال می‌دهند. این جریان از نظر تاریخی محدود و از نظر فرهنگی سازمان‌یافته است و پاسخی است به نیازهای محیطی (یروود، ۲۰۰۱: ۷). برونفنبرنر (۱۹۵۸) هم دریافت که در طول زمان فرهنگ‌ها شیوه فرزندپروری را در پاسخ به فاکتورهای تاریخی، سطح فرهنگ‌پذیری، انطباق و نیروهای بقا تغییر می‌دهند. بنابراین فرزندپروری پدیده‌ای پویا و پیچیده است که در ارتباط تنگاتنگ با درس‌های گذشته است (یروود، ۲۰۰۱: ۷).

بسیاری از اندیشمندان در مورد تغییر ارزش‌های خانوادگی در گذر زمان و به خصوص در سال‌های اخیر صحبت کرده‌اند. یکی از بحث‌انگیزترین مسائل در این خصوص بررسی دو ویژگی اطاعت و استقلال می‌باشد. برای مثال آلوین در مورد جامعه آمریکا تأکید می‌کند که ارزش‌هایی چون پندپذیری^۳ و سازگاری^۴ کم‌رنگ شده است و در مقابل ارزش و اهمیت استقلال^۵ و خودراهبری^۶ پررنگ‌تر شده است (آلوین، ۱۹۸۹). او همچنین در مطالعه نسل‌ها که در منطقه دیترویت و با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۹۵۸، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۳ انجام داد به این نتیجه رسید که حتی والدین نسل‌های جدیدتر در مقایسه با والدین نسل‌های گذشته، کمتر ویژگی‌هایی چون اطاعت را برای فرزندان‌شان، ویژگی‌های ارزشمندی می‌دانند (آلوین، ۱۹۹۰: ۳۴۷). آلوین تأکید می‌کند که مطالعات مختلف در کشورهای آمریکا، آلمان، ژاپن، در دوره‌های مختلف نشان می‌دهند که تأکید والدین به ارزش‌هایی چون استقلال در حال افزایش و تأکید آن‌ها به ارزش‌هایی چون اطاعت در حال کاهش است (آلوین، ۱۹۹۰: ۳۴۷). برخی از دانشمندان نظیر الیسون و شرکات در تبیین این مسئله و در بررسی رابطه مذهب و ارزش‌های والدینی به این نتیجه رسیدند که پروتستان‌های محافظه‌کار جدید و کاتولیک‌ها بیش از بقیه آمریکایی‌ها ارزش‌هایی چون اطاعت و همنوایی را برای فرزندان‌شان ترجیح می‌دهند. هرچند که این ترجیح در پروتستان‌های محافظه‌کار بیشتر از کاتولیک‌هاست (الیسون و شرکات، ۱۹۹۳).

با توجه به این‌که هدف عمده این پژوهش ارائه یک توصیف نسبتاً جامع از وضعیت ارزش‌های جامعه‌پذیری در برخی کشورهای جهان است، بنابراین ارائه تئوری‌هایی که به تبیین مسائل پرداخته و در پی پاسخ دادن به چرایی و چگونگی جریان‌های علی هستند، اگرچه حاوی حقایق بسیاری می‌باشند، اما ارتباط مستقیمی با هدف ما ندارند. لذا ما سعی کرده‌ایم که به طور مختصر به برخی از کارهایی که در این خصوص انجام شده - که بعضاً از پیشگامان و تأثیرگذاران مطالعات در این زمینه بوده‌اند - اشاره نماییم.

در زمینه تفاوت‌های فرزندپروری در میان طبقات مختلف بحث‌های زیادی شده است که برای مثال می‌توان به دیویس و هویگورست (۱۹۴۶)، الکلیند (۲۰۰۱)، کوهن (۱۹۷۷) و لاریو (۲۰۰۳) اشاره کرد. بر اساس تئوری‌ها، این تفاوت‌ها به طور کلی از دو چیز ناشی می‌شوند: ۱- ارزش‌های متفاوت والدین و انتظارات متفاوت از بچه‌ها، ۲- منابع مادی نابرابر والدین (شامل زمان و انرژی که برای توجه به فرزند لازم است) (چین و فیلیپس، ۲۰۰۴: ۱۸۵). یکی از اولین منابعی که در خصوص ارزش‌های خانوادگی و به طور خاص ارزش‌های تربیت فرزند است، مربوط به ملوین کوهن^۷ می‌باشد. او به همراه پیرلین در تحقیق‌شان که به مقایسه دو کشور آمریکا و ایتالیا پرداختند، در مورد ارزش‌هایی چون صداقت، رفتار خوب، اطاعت از والدین، خودکنترلی، قابل اتکا بودن، توانایی دفاع از خود، ادب و آراستگی و... بحث کردند (پیرلین و کوهن، ۱۹۶۶). آن‌ها در بررسی ارزش‌های والدین آمریکایی و ایتالیایی نشان دادند که در هر دو کشور والدین طبقه متوسط ارزش بیشتری برای ویژگی‌های خودمحرانه در بچه‌ها قائل بودند، اما والدین طبقات کارگر بیشتر به وفاق و هم‌نواپی تأکید داشتند (پیرلین و کوهن، ۱۹۶۶: ۴۶۶).

کوهن و همکاران در مطالعه کشور آمریکا و لهستان به این نتیجه رسیدند که تأثیر هر کدام از والدین در این کشورها متفاوت است. به طوری که در انتقال ارزش‌ها در آمریکا پدران نقش مهم‌تری دارند، اما در لهستان این مادرها بودند که نقش محوری در انتقال ارزش‌ها به فرزندان داشتند (کوهن و همکاران، ۱۹۸۶: ۷۳). کاسر، کاستنر و لکس در یک مطالعه مقطعی - طولی ۲۶ ساله که انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین بر شکل‌گیری ارزش سازگاری در افراد تأثیر دارد. این امر به واسطه محدودیت‌هایی که والدین در دوران کودکی فرزندان بر آن‌ها تحمیل می‌کنند، شکل می‌گیرد (کاسر، کاستنر و لکس، ۱۹۹۹: ۸۳۳-۸۳۲). برخی دانشمندان از نمونه‌های دوتایی والدین فرزندان برای بررسی مسئله استفاده کرده و برخی هم برای آزمون تأثیر طبقه بر ارزش‌های نوجوانان تنها از نمونه نوجوانان استفاده کرده‌اند. اسشک و امریک (۱۹۷۶) هم به تأثیر اندازه بزرگ خانواده بر میزان کم‌حمایت والدینی تأکید کرده‌اند. مطالعه اخیر در آلمان نشان می‌دهد که انتقال ارزش‌های والدین به جوانان تنها در ارزش‌های خاصی است. به طوری که در برخی ارزش‌ها والدین محافظه‌کارتر هستند که در این‌جا تأثیر جنس هم قوی است (به‌نقل از چین چان،

چین چن و یان هوا، ۲۰۰۴: ۵۲۶). هیتلین به بررسی اثر پایگاه اجتماعی اقتصادی^۱ (SES) بر پیامدهای روان‌شناختی بچه‌ها پرداخته است. او نشان داد که خانواده در تعیین آرزوها و ارزش‌های شغلی فرزندان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (هیتلین، ۲۰۰۶: ۲۵). به زعم او ساختارهای ارزشی افراد در تعیین آرزوهای شغلی آن‌ها بسیار تعیین‌کننده است. پایگاه اجتماعی اقتصادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم (با مکانیسم جهت‌گیری‌های ارزشی فرزندان) در این خصوص ایفای نقش می‌کند (هیتلین، ۲۰۰۶: ۲۵). چین و فیلیپس به تأثیر منابع در اختیار والدین بر نفوذ آن‌ها در تربیت فرزندان پرداختند. آن‌ها بچه‌ها را با استفاده از فعالیت‌های تابستانی و بر اساس طبقه اجتماعی و قومیت والدینشان، بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که نحوه تربیت فرزندان و در طی آن فعالیت‌های بچه‌ها در اوقات تابستان بیشتر از آن‌که متأثر از اراده والدین برای کمک به بچه‌ها و گسترش توانایی‌های شناختی، مهارتی و استعداد آن‌ها باشد، تحت تأثیر منابعی است که والدین در اختیار دارند (چین و فیلیپس، ۲۰۰۴: ۱۸۵).

آدامز و همکاران شاخص پنج آیتمی گرایش جنسیتی به تربیت فرزند^۲ را در جنوب غربی آمریکا آزمایش کردند و به این نتیجه رسیدند که این شاخص در آن‌جا از روایی و پایایی بسیار خوبی برخوردار است. آن‌ها تأثیر متغیرهایی چون درآمد، تحصیلات و... را بر گرایش پدران و مادران نسبت به ویژگی‌هایی که باید فرزندان پسر و دختر داشته باشند، بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که این متغیرها غالباً تأثیر معناداری بر گرایش والدین داشتند. بر اساس نظر هافمن (۱۹۷۷)، تمرکز گرایش‌های جنسیتی سنتی به این نکته است که زن خانه‌دار است و مرد نقش تأمین‌کنندگی دارد و بر اساس این تفکر، جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد. از این‌رو از پسرها انتظار می‌رود که قاطع^۱، مستقل و دارای گرایش به موفقیت باشند و دخترها تشویق می‌شوند به این‌که وابسته و مطیع باشند و بچه بزرگ کنند (آدامز و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۲۶). همان‌طور که کارتر و همکاران (۲۰۰۰) گفته‌اند، این مسئله خود را در اعتماد به نفس، آرزوها و پیشرفت‌های دختران نشان می‌دهد (نقل از آدامز و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۲۶).

علاوه بر پایگاه اجتماعی و جنسیت برخی دیگر از اندیشمندان در مورد متغیرهای دیگری که بر تفاوت ارزش‌های خانوادگی تأثیر دارند، اشاره کرده‌اند. زیو با استناد به تحقیقات آلدِر (۱۹۸۶)، کروتر و مانک (۱۹۹۴) و توماس (۱۹۹۳) معتقد است که تغییرات تکنولوژیکی طی دهه‌های اخیر منجر به تغییر در طبیعت کار شده است. علی‌رغم این‌که مطالعات آن‌ها بر تأثیر طبقه اجتماعی بر ارزش‌های والدین متمرکز نیست، اما نتایج مطالعات آن‌ها توسط بسیاری این‌گونه تفسیر شده که تغییرات تکنولوژیکی جدید در طی دهه‌های اخیر سبب شده که موقعیت‌های شغلی بیش از پیش به یکدیگر شبیه شوند و دیگر تفاوت بین طبقه کارگر و غیرکارگر خیلی محسوس نیست. بنابراین نقش استقلال شغلی در شکل‌دهی ارزش‌های جامعه‌پذیری کم‌اهمیت‌تر از گذشته شده است (زیو، ۲۰۰۰:

۷۸۷). پینو و لوکر (۱۹۸۳) می‌گویند که والدین کانادایی بیشتر دارای ارزش‌های خودمختاری هستند. آن‌ها می‌گویند که انتقال ارزش‌های خانوادگی در کانادا نه متأثر از طبقه اجتماعی که متأثر از تغییرات اجتماعی است (به‌نقل از چین‌چان و همکاران، ۲۰۰۴: ۵۲۶).

تایلور و همکاران (۲۰۰۴) هم معتقدند که پایگاه اجتماعی - اقتصادی تنها عامل مؤثر بر ارزش‌ها در خانواده نیست. تمایل احساسی^{۱۱} به خانواده یکی دیگر از متغیرهای مهم در این خصوص می‌باشد (هیتلین، ۲۰۰۶: ۲۸). زیو دریافت که مذهبی بودن قدرت پیش‌بینی زیادی در ارزش‌های والدینی دارد. والدین بیشتر مذهبی کسانی هستند که تأکید بیشتری بر ارزش سازگاری و تأکید کمتری بر استقلال دارند. اثر مثبت مذهب بر ارزش‌های سازگاری و اثر منفی آن بر ارزش‌های استقلال ممکن است به خاطر آموزش مذهبی درباره خانواده و رابطه فرزند - والد باشد که در شکل‌های سنتی آن بیشتر بر حرف‌شنوی فرزندان از والدین تأکید داشتند (زیو، ۲۰۰۰: ۷۹۸). موسی و همکاران نشان دادند که شیوه‌های تربیت فرزند در میان قومیت‌های مختلف آمریکا متفاوت است. به زعم آن‌ها آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار بیشتر از سفیدها، اعتقاد به استفاده از تنبیه فیزیکی فرزندان برای تربیت آن‌ها دارند (موسی و همکاران، ۱۹۹۹: ۴۹۰-۴۸۹).

به زعم زیو فرایند جامعه‌پذیری کاملاً متأثر از ارزش‌های فرهنگی مسلط در جامعه است. بنابراین به دلیل تأثیر تاریخ فرهنگی و نظام‌های اجتماعی ویژگی‌هایی که برای بچه‌ها ارزشمند تلقی می‌شوند از هر جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. به علاوه فاکتورهای اکولوژیکی هم توضیح خوبی از این تفاوت‌ها می‌توانند به دست دهند (زیو، ۱۹۹۹: ۶۴۱). او در مقاله‌اش دو سؤال اصلی مطرح می‌کند: اول این‌که، کجا و چگونه ارزش‌های جامعه‌پذیری در آمریکا و چین با هم تفاوت دارند؟ دوم این‌که، تبیین این تفاوت‌های ملی به چه صورت است؟ تفاوت‌های این دو جامعه بر اساس نظر او در جدول ۱ خلاصه شده‌اند.

جدول ۱: مقایسه آمریکا و چین از نظر شرایط جمعیتی اقتصادی و فرهنگی

چین	آمریکا
پرجمعیت‌ترین	ثروتمندترین
جامعه در حال صنعتی شدن سوسیالیستی	یک کشور سرمایه‌داری پیشرفته
متأثر از کنفوسیوس	متأثر از ریشه‌های یهودی مسیحی
انسجام گروهی و نظم اجتماعی	فردگرایی و موفقیت‌های فردی
سخت‌کوشی و پس‌انداز لازمه ثروت و اعتبار خانواده ^{۱۲}	اعتقاد به خدا شرط لازم برای آمریکایی خوب بودن ^{۱۳}
فرهنگ جمع‌گرا	فرهنگ فردگرا
نمونه بارز یک کشور شرقی	نمونه بارز یک کشور غربی
(زیو، ۱۹۹۹: ۶۴۳-۶۴۲).	

زیو معتقد است که اگر محتوای جامعه‌پذیری مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی مسلط در جامعه است بنابراین، این دو جامعه باید تفاوت‌های زیادی داشته باشند. از آمریکایی‌ها بیشتر انتظار می‌رود تا ارزش‌هایی چون استقلال، شکیبایی، پشتکار و ایمان مذهبی را ارزشمند بشمارند. از سوی دیگر از چینی‌ها انتظار می‌رود تا بر ارزش‌های جمع‌گرایانه تأکید کنند. این ارزش‌ها عبارتند از اطاعت، سخت‌کوشی، پس‌انداز، عدم خودخواهی، احساس مسئولیت (زیو، ۱۹۹۹: ۶۴۳). زیو به خوبی نتیجه می‌گیرد که علی‌رغم تفاوت‌های معناداری که بین این دو کشور در مورد ارزش‌های جامعه‌پذیری وجود دارد اما با مقایسه شش ویژگی ارزشمند در دو کشور پنج ویژگی مشترک بین این دو کشور یافت شد. مهم‌ترین ارزش‌ها در آمریکا عبارت بودند از: رفتار خوب، گذشت و احترام به دیگران، احساس مسئولیت، ایمان مذهبی، استقلال و سخت‌کوشی. به علاوه در چین به ترتیب ارزش‌هایی چون استقلال، احساس مسئولیت، سخت‌کوشی، گذشت و احترام به دیگران، پس‌انداز و رفتار خوب ارزشمند بودند (زیو، ۱۹۹۹: ۶۴۶).

او هم‌چنین می‌گوید اگرچه ترجیح ایمان مذهبی در آمریکا و ترجیح سخت‌کوشی و پس‌انداز در چین مورد انتظار بود، اما اطاعت و استقلال با فرضیه و آنچه که مورد انتظار بود تطابق ندارد. او تأکید می‌کند که این البته به خاطر نوع نمونه‌گیری و یا ساختار متفاوت سنی پاسخگویان این دو کشور نیست (زیو، ۱۹۹۹: ۶۴۶). نتایج او با استفاده از رگرسیون لجستیک در نهایت نشان داد که در کشور آمریکا عواملی چون جنسیت، طبقه اجتماعی، آموزش و... نقش مهمی در ترجیح اطاعت و استقلال دارند، در حالی که در کشور چین تنها تعداد فرزندان در خانواده ترجیح استقلال و اطاعت را تبیین می‌کند. به طوری که آن دسته از والدین چینی که بیش از یک فرزند دارند، احتمال این که استقلال را برای بچه‌هایشان ترجیح دهند، کمتر است. به عبارت دیگر در خانواده‌های تک فرزند، استقلال فرزندان بیشتر ترجیح داده می‌شود و در خانواده‌های دارای چند فرزند احتمال ترجیح اطاعت بیشتر است (زیو، ۱۹۹۹: ۶۴۹-۶۴۸).

بر اساس یافته‌های مناقان و پارسل^{۱۴} در طول دهه ۹۰ تجربه کاری والدین به خصوص مادر بر کارکردهای بعدی بچه‌ها تأثیر زیادی داشته است. آن‌ها بیان می‌دارند که توانایی‌های شناختی مادر در کنار درجه پیچیدگی شغلی بر جهت‌گیری‌های ارزشی و رفتاری فرزندان تأثیر می‌گذارد (به نقل از چین چان و همکاران، ۲۰۰۴: ۵۲۴). دو هدف عمده تحقیق چین چان و همکاران این بود که اولاً انتقال ارزش‌های خانوادگی بین نسل‌ها را در تایوان توضیح دهند و دوم، تفاوت‌های فرهنگی را با هنجارهای فرهنگی معتبر بالقوه به هم پیوسته در ارزش‌های چینی آزمون کنند. چرا که به گفته آن‌ها ارزش‌های تیپیک چینی در بیشتر کشورهای شرق آسیا جریان دارد (چین چان و همکاران، ۲۰۰۴: ۵۲۴). آن‌ها می‌گویند که در جامعه تایوان به عنوان یک جامعه پدرسالار ارزش‌های

محافظه‌کارانه مثل اطاعت بیشتر از ارزش‌هایی چون خودمختاری است. آن‌ها اضافه می‌کنند که والدین تایوانی هم بیشتر کنترل بیرونی را ترجیح می‌دهند (چین‌چان و همکاران، ۲۰۰۴: ۵۲۷). تمار و جیمین درباره فعالیت‌های ورزشی والدین با فرزندان، در جامعه‌پذیری فرزندان و انتقال ارزش‌های والدین به فرزندان از طریق آن به این نتیجه رسیدند که والدین نه تنها از این طریق می‌توانند ارزش‌های اخلاقی را در فرزندان پرورش دهند، بلکه رهبری، کار گروهی، وفاداری، رقابت، اعتماد، هوش را نیز به آنان یاد می‌دهند (تامار و جیمین، ۲۰۰۷).

روش

در این پژوهش از روش تحلیل ثانویه استفاده شده است. داده‌ها از پیمایش ارزش‌های جهانی استخراج شده‌اند. این پیمایش که توسط رونالد اینگلهارت و همکاران به انجام رسیده است شامل ابعاد وسیعی از ارزش‌های اجتماعی جوامع مختلف می‌باشد. این پیمایش به صورت طولی و در موج‌های مختلف به صورت مصاحبه حضوری به انجام رسیده که طی آن افراد ۱۸ سال به بالا باید از بین ارزش‌های جامعه‌پذیری، ۵ آیتم را که فکر می‌کنند ویژگی‌های مهمی هستند که باید در خانواده به فرزندان آموخته شوند، انتخاب می‌کنند.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه تحقیق شامل ۱۴ کشور از منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیای میانه است.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان به تفکیک کشور

درصد	فراوانی	
۴/۵	۱۲۲۹	الجزایر
۱۰/۸	۲۹۶۶	مصر
۵/۸	۱۵۸۲	ایران
۸/۴	۲۲۸۴	عراق
۴/۳	۱۱۸۸	اسرائیل
۴/۴	۱۲۱۰	اردن
۸/۲	۲۲۴۶	مراکش
۷/۳	۱۹۸۹	پاکستان
۳/۹	۱۰۶۰	عربستان
۱۶/۷	۴۵۶۵	ترکیه
۷/۳	۱۹۹۹	ارمنستان
۷/۳	۲۰۰۲	آذربایجان
۷/۳	۲۰۰۶	گرجستان
۳/۷	۱۰۱۸	قرقیزستان
۱۰۰	۲۷۳۴۴	کل

با توجه به این که کشورهای مناطق مذکور با کشور ایران شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی بسیاری دارند و گاه از تجربه‌های تاریخی مشترکی برخوردارند. همه کشورهای این مناطق که داده‌های آن‌ها موجود بود، انتخاب گردیده‌اند. این کشورها عبارتند از: الجزایر، مصر و مراکش از شمال آفریقا، ایران، عراق، اسرائیل، اردن، پاکستان، عربستان و ترکیه از خاورمیانه، و بالاخره ارمنستان، آذربایجان، گرجستان و قرقیزستان از آسیای میانه. برای نمونه‌گیری داده‌های مربوط به این کشورها تنها به داده‌های موج چهارم که در بین سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۹ جمع‌آوری شده‌اند، اکتفا شده است.

ابزارهای پژوهش

در خصوص سنجش ارزش‌ها، چین چان و همکاران ۹ آیتم را مستقیماً از کوهن گرفتند و مطالعه‌ای را که از تایوان کرده‌اند؛ این آیتم‌ها عبارتند از: توجه به دیگران، کنجکاو، احساس مسئولیت، رفتار خوب، پاکیزگی و آراستگی، دانش‌آموز خوب، اطاعت، رفتار مناسب، خوب تا کردن با دیگر بچه‌ها. در پژوهش آن‌ها ارزش درستکاری که کوهن اشاره کرده بود به وفای به عهد تغییر یافت. به علاوه سه ارزش هم برای جامعه تایوان مناسب نبود که حذف شدند. آن‌ها عبارت بودند از تلاش برای موفقیت، داوری درست و خودکنترلی (چین چان و همکاران، ۲۰۰۴: ۵۳۰). اما چهار آیتم اضافی دیگر افزوده شدند که عبارت بودند از خیال‌پردازی و کنجکاو در مورد اشیا و دو ارزش هم جزء ارزش‌های چینی بودند که عبارتند از احترام فرزندی به والدین و فروتنی نسبت به دیگران (چین چان و همکاران، ۲۰۰۴: ۵۳۱). بنابراین در مجموع ۱۷ آیتم سنجیده شدند که بر اساس تحلیل عاملی بر روی چهار عامل سازگاری، هماهنگی، کنجکاو و خویشتنداری^{۱۵} بار شدند (چین چان و همکاران، ۲۰۰۴: ۵۳۲).

در مطالعه‌ای که زیو انجام داد، در مورد متغیر وابسته یازده آیتم وارد تحلیل عاملی شدند که در نهایت بر روی دو فاکتور بار شدند. در فاکتور اول برخی آیتم‌ها مثل استقلال، پشتکار و قدرت تخیل بار عاملی مثبت و آیتم‌هایی چون اطاعت، رفتار خوب و ایمان و اعتقادات مذهبی بار عاملی منفی به دست آوردند که او آن‌ها را به عنوان ابعاد استقلال و سازگاری به حساب آورد. در فاکتور دوم نیز آیتم‌هایی چون عدم خودخواهی و احترام به دیگران بار عاملی مثبت و سخت کوشی و پس‌انداز بار عاملی منفی به دست آوردند که آن‌ها را هم به عنوان معرف‌های توجه به دیگران در مقابل رقابت^{۱۶} در نظر گرفت (زیو، ۲۰۰۰: ۷۸۹). بنابراین او بر اساس تحلیل عاملی سه متغیر سازگاری (از ترکیب سه آیتم) استقلال (از ترکیب سه آیتم) و توجه و مراقبت (از ترکیب دو آیتم) ساخت (زیو، ۲۰۰۰: ۷۹۰). البته مسئله‌ای که وجود داشت این بود که همه این آیتم‌ها در تحقیقات قبلی از جمله تحقیق کوهن (۱۹۷۷)، رایت و رایت (۱۹۷۶) و آلوین (۱۹۸۴) استفاده نشده بود. به علاوه معمولاً در پرسشنامه‌های آن‌ها پاسخگویان به آیتم‌ها رتبه می‌دادند اما ماهیت تحلیل داده‌ها در این جا متفاوت

است. مهم‌تر از همه این‌که به زعم او این آیتم‌ها انعکاس نگرش‌های کلی در مورد تربیت فرزند هستند و نه استانداردهای رفتاری که پاسخگویان پذیرفته‌اند و در تربیت فرزندان به کار می‌برند. باید بین آن چیزی که پاسخگو فکر می‌کند مهم است با آنچه که در عمل به آن تأکید می‌شود، تمایز قائل شد (زیو، ۲۰۰۰: ۷۸۹-۷۸۸). لاستر و همکاران (۱۹۸۹) برای سنجش ارزش‌های والدینی بر اساس تصحیحی که اسشوفر و ادگرتون^{۱۷} (۱۹۸۵) از ارزش‌های کوهن (۱۹۷۷) انجام داده‌اند، ۱۵ ارزش والدینی را در قالب ۳ گروه ارزش‌های خوداتکایی (۶ آیتم)، ارزش‌های هم‌نوایی (۶ آیتم) و ارزش‌های اجتماعی (۳ آیتم) طبقه‌بندی کردند (لاستر و همکاران، ۱۹۸۹: ۱۴۱-۱۴۰).

هیلتین هم در کارش از مفهوم ارزش‌ها که شوارتز^{۱۸} (۱۹۹۲ و ۱۹۹۴) مطرح کرده بود، استفاده کرده است^{۱۹}. شوارتز ۱۰ ارزش عمده را تقریباً در بین ۷۰ کشور شناسایی کرده است (هیلتین، ۲۰۰۶: ۲۷). بر اساس تحلیل عاملی دو بعد اصلی برای متغیر وابسته در نظر گرفته شد: ارزش‌های خودمحورانه (شامل دستیابی به موفقیت، قدرت، باز بودن و تغییر) و ارزش‌های دیگرخواهانه نهادی (شامل روحانی بودن، خوب بودن، عام‌گرایی و گفتگو) (هیلتین، ۲۰۰۶: ۳۳-۳۱).

متغیرهای این پژوهش از پیمایش ارزش‌های جهانی اینگلهارت اخذ شده‌اند. پیمایش ارزش‌های جهانی با مشارکت دانشمندان کشورهای مختلف جمع‌آوری شده است. بخشی از پرسشنامه پیمایش ارزش‌های جهانی که توسط اینگلهارت و همکاران انجام شده به سنجش ۱۷ ویژگی مهم در جامعه‌پذیری کودکان پرداخته است. در برخی کشورها از جمله اکثر کشورهای تحقیق حاضر تعداد کمتری از این ارزش‌ها سنجیده شده‌اند. این متغیرها به صورت اسمی دو پاسخ پرسیده شده‌اند. به این صورت که از پاسخگویان سؤال شده است که از ارزش‌های ذکر شده کدام ارزش‌ها از نظر شما مهم هستند و باید به کودکان انتقال داده شوند؟ ما در این کار تنها به بررسی ۹ ارزش مهم جامعه‌پذیری اکتفا کرده‌ایم. این ارزش‌ها عبارتند از استقلال، سخت‌کوشی، احساس مسئولیت، شکیبایی، گذشت و احترام به دیگران، قناعت و پس‌انداز، پشتکار، عدم خودخواهی و اطاعت (اینگلهارت، ۲۰۰۴).

همان‌طور که پیش از این ذکر شد، هدف اصلی این تحقیق توصیف اهمیت ارزش‌های خانوادگی در کشورهای مورد بررسی می‌باشد. نرم‌افزار مورد استفاده در این پژوهش SPSS می‌باشد که برای آزمون تفاوت‌های ارزشی بین کشورها از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است.

یافته‌ها

جدول ۳ توصیف اهمیت ارزش‌های جامعه‌پذیری در کشورهای مورد بررسی می‌باشد.

جدول ۳: توصیف اهمیت ارزش‌های تربیت فرزند در کشورهای مطالعه

احساس مسئولیت	عدم خودخواهی	گذشت و احترام به دیگران	قناعت و پس انداز	پشتکار	سخت کوشی	استقلال	اطاعت	ایمان	
۰/۵۷	۰/۱۵	۰/۵۳	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۶۶	۰/۲۴	۰/۵۵	۰/۷۶	الجزایر
۰/۵۱	۰/۲۱	۰/۶۴	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۳۸	۰/۷۲	۰/۵۳	۰/۸۷	مصر
۰/۶۷	۰/۲۰	۰/۵۳	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/۵۷	۰/۴۶	۰/۲۷	۰/۶۸	ایران
۰/۷۵		۰/۷۸	۰/۲۷			۰/۲۸	۰/۷۳	۰/۹۲	عراق
۰/۶۶	۰/۴۹	۰/۸۲	۰/۱۹	۰/۳۱	۰/۲۴	۰/۶۹	۰/۱۶	۰/۲۹	اسرائیل
۰/۶۵	۰/۳۱	۰/۶۷	۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۴۵	۰/۲۱	۰/۴۷	۰/۸۵	اردن
۰/۶۴	۰/۱۰	۰/۶۵	۰/۳۶	۰/۱۶	۰/۶۹	۰/۳۷	۰/۵۱	۰/۷۷	مراکش
۰/۵۰	۰/۳۸	۰/۵۳	۰/۵۵	۰/۲۹	۰/۵۶	۰/۱۳	۰/۴۴	۰/۸۶	پاکستان
۰/۵۲	۰/۳۹	۰/۴۷	۰/۱۹	۰/۲۸	۰/۳۱	۰/۶۲	۰/۵۸	۰/۶۴	عربستان
۰/۶۴	۰/۲۳	۰/۶۲	۰/۳۰	۰/۲۲	۰/۷۲	۰/۱۶	۰/۴۰	۰/۴۵	ترکیه
۰/۶۹	۰/۳۱	۰/۴۸	۰/۳۸	۰/۵۷	۰/۸۴	۰/۳۲	۰/۱۸	۰/۱۲	ارمنستان
۰/۶۶	۰/۱۷	۰/۵۹	۰/۵۹	۰/۴۷	۰/۷۷	۰/۶۰	۰/۲۵	۰/۱۹	آذربایجان
۰/۶۸	۰/۲۰	۰/۵۴	۰/۳۲	۰/۳۷	۰/۸۲	۰/۵۱	۰/۲۳	۰/۳۱	گرجستان
۰/۷۸	۰/۲۳	۰/۶۵	۰/۴۲	۰/۵۱	۰/۸۷	۰/۵۴	۰/۳۷	۰/۲۲	قرقیزستان
۰/۶۳	۰/۲۴	۰/۶۱	۰/۳۱	۰/۲۸	۰/۶۳	۰/۳۹	۰/۴۱	۰/۵۷	کل

ملاحظه می‌شود که در کشور الجزایر ایمان و اعتقادات مذهبی، سخت کوشی و احساس مسئولیت مهم‌ترین ارزش‌های جامعه‌پذیری هستند. در حالی که عدم خودخواهی، پشتکار، قناعت و پس‌انداز و استقلال از ویژگی‌هایی هستند که مردم الجزایر کمتر به آن‌ها توجه کرده‌اند. در کشور مصر نیز ایمان و اعتقادات مذهبی مهم‌ترین ویژگی قابل انتقال در خانواده به‌شمار می‌رود. استقلال و گذشت و احترام به دیگران در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار دارند. از طرف دیگر قناعت و پس‌انداز و پشتکار از ویژگی‌هایی هستند که در نظر مردم مصر اهمیت زیادی برای یاد دادن به بچه‌ها در خانواده ندارند. ایرانی‌ها اعتقادات مذهبی و احساس مسئولیت را دو ویژگی مهمی می‌دانند که باید کودکان در خانواده بیاموزند. این در حالی است که عدم خودخواهی، پشتکار و قناعت و پس‌انداز اهمیت کمتری در نظر آنان دارند. در کشور عراق مذهب بیشترین اهمیت را نه تنها در مقایسه با ویژگی‌های دیگر درون کشور عراق، بلکه در مقایسه با بقیه کشورها داشته است. گذشت و احساس مسئولیت از دیگر خصوصیات مهم و ارزشمند در این کشور هستند. در مقابل قناعت و پس‌انداز و استقلال کمترین اهمیت را در بین مردم عراق دارا می‌باشند. در اسرائیل بر خلاف کشورهای عربی و اسلامی مذهب اهمیت زیادی ندارد. بلکه گذشت و احترام به دیگران مهم‌ترین ویژگی قابل انتقال در خانواده

به شمار می‌رود. استقلال و احساس مسئولیت در درجات بعدی اهمیت قرار دارند. در مقابل ویژگی‌هایی چون اطاعت و پس‌انداز از جمله ویژگی‌هایی هستند که اهمیت کمی در اسرائیل دارند. در کشورهای اردن و مراکش ارزش‌هایی چون ایمان و اعتقادات مذهبی، گذشت و احترام به دیگران و احساس مسئولیت بیش از بقیه مورد توجه بوده‌اند. در مقابل اهمیت پشتکار و قناعت و همچنین استقلال به عنوان ویژگی‌هایی که باید به کودکان آموخته شوند در بین اردنی‌ها زیاد نیست. در بین مردم مراکش هم تعداد کمتری از مردم به اهمیت عدم خودخواهی و پشتکار اشاره کرده‌اند. در کشور عربستان هم اعتقادات مذهبی مهم‌ترین ارزش در جامعه‌پذیری فرزندان به شمار می‌رود. استقلال و اطاعت دو ویژگی مهم دیگر در نزد مردم عربستان است. اما آن‌ها هم پشتکار و قناعت و پس‌انداز را کمتر از بقیه ارزش‌ها مهم ارزیابی کرده‌اند. در کشور ترکیه اما سخت‌کوشی بیش از بقیه ویژگی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. گذشت و احساس مسئولیت دو ارزش مهم دیگر در نظر آن‌هاست. اما استقلال، پشتکار و عدم خودخواهی از جمله خصوصیات و ویژگی‌هایی هستند که مردم ترکیه کمتر آن‌ها را ارزشمند و مهم ارزیابی کرده‌اند.

در کشور ارمنستان سخت‌کوشی جزء مهم‌ترین ارزش‌های قابل انتقال در خانواده به شمار می‌رود. به علاوه ارمنی‌ها برای احساس مسئولیت و پشتکار هم اهمیت قائل هستند. اما اعتقادات مذهبی و اطاعت اهمیت کمتری در بین آنان داشته است. در کشور آذربایجان هم عدم خودخواهی و اعتقادات مذهبی در مقایسه با ارزش‌هایی چون سخت‌کوشی و احساس مسئولیت کمتر مورد توجه بوده است. در دو کشور دیگر آسیای میانه یعنی گرجستان و قرقیزستان هم سخت‌کوشی و احساس مسئولیت اهمیت بیشتری از سایر ویژگی‌ها داشته‌اند. این در حالی است که در هر دو کشور مذهب، اطاعت و عدم خودخواهی در مقایسه با سایر ویژگی‌ها دارای اهمیت کمتری بوده‌اند.

نتایج تحلیل واریانس در جدول ۴ نشان می‌دهد که تفاوت ترجیح ویژگی‌های مختلف در کشورهای مورد مطالعه از نظر آماری معنادار هستند.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس ارزش‌های تربیت فرزند بر اساس کشورها

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات		
۰/۰۰۰	۴۳۹/۰۸۴	۸۶/۶۹۷	۱۳	۱۱۲۷/۰۵۵	بین‌گروهی	
		۰/۱۹۷	۲۷۳۳۰	۵۳۹۶/۲۷۱	درون‌گروهی	
			۲۷۳۴۳	۶۵۲۳/۳۲۵	کل	
۰/۰۰۰	۳۴۰/۷۸۲	۶۷/۵۴۷	۱۲	۸۲۲/۵۷۰	بین‌گروهی	
		۰/۲۰۱	۲۵۰۴۷	۵۰۳۸/۱۴۱	درون‌گروهی	
			۲۵۰۵۹	۵۸۶۰/۷۱۱	کل	

ادامه جدول ۴

۰/۰۰۰	۵۸/۲۸۰	۱۳/۱۷۱	۱۳	۱۷۱/۲۲۳	بین‌گروهی	احساس مسئولیت
		۰/۲۲۶	۲۷۳۳۰	۶۱۷۶/۴۹۰	درون‌گروهی	
			۲۷۳۴۳	۶۳۴۷/۷۱۳	کل	
۰/۰۰۰	۷۴/۳۸۳	۱۷/۰۸۹	۱۳	۲۲۲/۱۵۳	بین‌گروهی	گذشت و احترام به دیگران
		۰/۲۳۰	۲۷۳۳۰	۶۲۷۸/۷۵۶	درون‌گروهی	
			۲۷۳۴۳	۶۵۰۰/۹۰۹	کل	
۰/۰۰۰	۲۲۰/۹۵۱	۴۲/۵۲۹	۱۳	۵۵۳/۸۷۲	بین‌گروهی	پس انداز
		۰/۱۹۲	۲۷۳۳۰	۵۲۶۰/۴۹۲	درون‌گروهی	
			۲۷۳۴۳	۵۸۱۳/۳۶۵	کل	
۰/۰۰۰	۲۳۶/۴۸۴	۴۲/۵۶۱	۱۲	۵۱۰/۷۲۸	بین‌گروهی	پشتکار
		۰/۱۸۰	۲۵۰۴۷	۴۵۰۷/۷۸۷	درون‌گروهی	
			۲۵۰۵۹	۵۰۱۸/۵۱۵	کل	
۰/۰۰۰	۹۵۹/۱۲۲	۱۶۱/۱۱۲	۱۳	۲۰۹۴/۴۵۰	بین‌گروهی	ایمان مذهبی
		۰/۱۶۸	۲۷۳۳۰	۴۵۹۰/۸۴۴	درون‌گروهی	
			۲۷۳۴۳	۶۶۸۵/۲۹۴	کل	
۰/۰۰۰	۱۰۵/۴۴۹	۱۸/۵۶۳	۱۲	۲۲۲/۷۵۹	بین‌گروهی	عدم خودخواهی
		۰/۱۷۶	۲۵۰۴۷	۴۴۰۹/۳۹۵	درون‌گروهی	
			۲۵۰۵۹	۴۶۳۲/۰۵۵	کل	
۰/۰۰۰	۲۴۷/۸۵۸	۵۳/۷۳۰	۱۳	۶۹۸/۴۹۵	بین‌گروهی	اطاعت
		۰/۲۱۷	۲۷۳۳۰	۵۹۲۴/۵۶۷	درون‌گروهی	
			۲۷۳۴۳	۶۶۲۳/۰۶۲	کل	

برای این که این تفاوت‌ها بهتر نمایش داده شوند، ترجیحات ارزش‌های جامعه‌پذیری در کشورها در سه دسته: کم اهمیت (کمتر از ۳۳ درصد)، اهمیت متوسط (بین ۳۴ تا ۶۶ درصد) و مهم (بالاتر از ۶۷ درصد) طبقه‌بندی شده‌اند. این نتایج در جدول ۵ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود ارزش استقلال فقط در کشورهای اسرائیل و مصر دارای اهمیت زیادی است و در سایر کشورها دارای اهمیت کم و متوسط است. در مقابل این ارزش، مشاهده می‌شود که ارزش اطاعت تنها در عراق یک ویژگی بسیار مهم است که باید در جریان جامعه‌پذیری به کودکان آموخته شود. مذهب و اعتقادات دینی در کشورهای آسیای میانه شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان، قرقیزستان و گرجستان - که قبلاً جزئی از اتحاد جماهیر شوروی بودند - اهمیت کمی دارد. به علاوه در اسرائیل هم این ویژگی به عنوان یک ویژگی قابل انتقال در خانواده کمتر ترجیح داده شده است. در ترکیه و عربستان میزان اهمیت مذهب در حد متوسطی است. اما در بقیه کشورهای تحقیق یعنی سه کشور شمال آفریقا شامل مصر، مراکش و الجزایر و هم‌چنین پاکستان، ایران، عراق و اردن تأکید بر ایمان و اعتقادات مذهبی از سوی اکثریت پاسخگویان به عنوان ویژگی مهمی که باید در خانواده به کودکان آموخته شود، بسیار قابل توجه است.

جدول ۵: طبقه‌بندی میزان اهمیت ارزش‌های جامعه‌پذیری در کشورها

میزان اهمیت ارزش‌ها	کم اهمیت (کمتر از ۳۳ درصد)	اهمیت متوسط (بین ۳۴ تا ۶۶ درصد)	مهم (بالا تر از ۶۷ درصد)
استقلال	پاکستان، ترکیه، اردن، الجزایر، عراق، ارمنستان	مراکش، ایران، گرجستان، قرقیزستان، آذربایجان، عربستان	اسرائیل، مصر
سخت‌کوشی	اسرائیل، عربستان	مصر، اردن، پاکستان، ایران، الجزایر	مراکش، ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، قرقیزستان
احساس مسئولیت	-	مصر، الجزایر، اسرائیل، اردن، ترکیه، مراکش، پاکستان، عربستان، آذربایجان	ارمنستان، گرجستان، قرقیزستان، ایران، عراق
گذشت و احترام به دیگران	-	الجزایر، مصر، ایران، مراکش، پاکستان، عربستان، ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، قرقیزستان	اردن، عراق، اسرائیل
پس انداز	مصر، الجزایر، اسرائیل، اردن، عربستان، ایران، عراق، ترکیه، گرجستان	مراکش، پاکستان، ارمنستان، آذربایجان، قرقیزستان	-
پشتکار	مصر، الجزایر، اردن، مراکش، ترکیه، ایران، عربستان، پاکستان، اسرائیل	گرجستان، آذربایجان، قرقیزستان، ارمنستان	-
اطاعت	اسرائیل، ایران، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان	الجزایر، مصر، اردن، مراکش، پاکستان، عربستان، ترکیه، قرقیزستان	عراق
عدم خودخواهی	عراق، ارمنستان، گرجستان، قرقیزستان، ترکیه، الجزایر، مصر، اردن، مراکش، ایران، آذربایجان	پاکستان، عربستان، اسرائیل،	-
ایمان مذهبی	اسرائیل، ارمنستان، آذربایجان، قرقیزستان، گرجستان	عربستان، ترکیه	پاکستان، الجزایر، مصر، ایران، عراق، اردن، مراکش

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ارزش سخت‌کوشی در عربستان و اسرائیل اهمیت کمی دارد. در کشورهای الجزایر، مصر، اردن، پاکستان و ایران تعداد بیشتری از پاسخگویان به اهمیت یاد دادن سخت‌کوشی به کودکان در خانواده صحنه گذاشته‌اند. اما نکته جالب توجه این است که سخت‌کوش بودن در چهار کشور آسیای میانه یعنی قرقیزستان، گرجستان، ارمنستان و آذربایجان و به علاوه در ترکیه و مراکش اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. عراق تنها کشوری است که در مورد این ویژگی فاقد نظری بوده است.

احساس مسئولیت در هیچ کشوری کم‌اهمیت نیست و در بین ارمنستان، گرجستان، قرقیزستان، ایران و عراق دارای اهمیت زیاد است. مشاهده می‌شود که عدم خودخواهی در هیچ کشوری جزء خصوصیات بسیار مهم که حتماً باید به بچه‌ها آموخته شود، ارزیابی نشده است. اتفاقاً در بیشتر کشورهای منطقه این ویژگی از اهمیت کمی برخوردار بوده است. تنها در پاکستان، اسرائیل و عربستان مردم در حد متوسط عدم خودخواهی را در جامعه‌پذیری کودکان مهم دانسته‌اند. اهمیت پشتکار هم حقایق دیگری را از وضعیت ارزش‌ها در منطقه روشن می‌کند. چرا که در هیچ‌یک از کشورها مهم نبوده و در کشورهای مراکش، الجزایر، مصر، اسرائیل، اردن، عربستان، ترکیه، ایران و پاکستان به عنوان یک ویژگی کم‌اهمیت در جامعه‌پذیری کودکان مطرح بوده است. اما چهار کشور آسیای میانه در حد متوسطی این ویژگی را یک خصوصیت مهم ارزیابی نموده‌اند. در این جا هم داده‌ای برای کشور عراق موجود نبود.

قناعت و پس‌انداز هم گویای این واقعیت است که میزان اهمیت این ویژگی در مراکش، پاکستان و به علاوه در قرقیزستان، ارمنستان و آذربایجان بیشتر از بقیه کشورهاست. در این خصوص همان طور که در جدول ۲ نشان داده شد تنها ۸ درصد از مصری‌ها آموزش قناعت و پس‌انداز را به کودکان مهم دانسته بودند. در حالی که بیشترین میزان تأکید در آذربایجان است که ۵۹ درصد از مردم به اهمیت قناعت در جریان جامعه‌پذیری کودکان تأکید کرده‌اند.

بررسی ارزش گذشت و احترام به دیگران در بین کشورهای مورد مطالعه حاوی نکات بسیار قابل توجهی است. نکته اول این که هیچ‌کدام از کشورهای مورد بررسی ویژگی گذشت و احترام به دیگران را کم‌اهمیت نشموده‌اند. ملاحظه می‌شود که در اکثر کشورها از جمله قرقیزستان، آذربایجان، گرجستان، ارمنستان، ایران، پاکستان، ترکیه، عربستان، مصر، الجزایر و مراکش به اهمیت و ارزش این ویژگی در حد متوسط تأکید شده است. اما مسئله مهم این است که در مناطقی که میزان تضادهای اجتماعی بیشتر از مناطق دیگر است تأکید بر اهمیت گذشت و احترام به دیگران پررنگ‌تر است. عراق، اسرائیل و اردن مناطقی هستند که پاسخگویان بیشتری به اهمیت این ویژگی برای کودکان داشته‌اند.

بحث

خانواده مهم‌ترین نهاد آموزش، حتی در دوران مدرن به شمار می‌رود. بنابراین ارزش‌های خانوادگی که در نهاد خانواده منتقل می‌شوند، نه تنها نقش مهمی در آینده فرزندان در سطح فردی دارند، بلکه در سطح جامعه نیز می‌توانند موجبات سعادت یا بدبختی یک جامعه را رقم زنند. بدین منظور برای این که تصویر جامعی از آن چه که اکنون با آن مواجهیم و به خصوص برای برنامه‌ریزی‌های آینده، برای تأکید بر برخی ارزش‌های مهم با توجه به نیاز افراد و جامعه، لازمست که ارزش‌های

موجود در بین خانواده‌های کشورمان با ارزش‌های خانوادگی برخی کشورها به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی بررسی شوند. این پژوهش گام کوچکی است برای پاسخ به این نیاز که تصویری از آنچه اکنون در خانواده‌های ایرانی به عنوان ارزش تلقی می‌شود به دست دهد و آن‌ها را با ارزش‌های کشورهای دیگر مقایسه نماید.

هیتلین به نقل از گلاس و همکاران می‌گوید شواهدی وجود دارد که هر دوی نیروهای بین شخصی و ساختاری بر شباهت‌های گرایش‌های والدین- فرزند در دوره زندگی اثر می‌گذارند. او همچنین بنا به نظر میلر و گلاس معتقد است که تأثیرات بین نسلی با ابزار مختلف از قبیل تأثیرات دوره زندگی، جامعه‌پذیری مستقیم و... صورت می‌گیرد (هیتلین، ۲۰۰۶: ۲۷). اما این‌طور نیست که خود افراد غیرفعال باشند و تنها تأثیرپذیر باشند. آن‌ها هم بر اساس نظر هینز و کرکوف عاملیت خودشان را دارند و زندگی خودشان را شکل می‌دهند (هیتلین، ۲۰۰۶: ۲۷). اما باید توجه داشت که در بررسی ارزش‌های والدین و فرزندان شباهت ذهنی بین ارزش‌های آن‌ها و آن‌چه که آن‌ها تصور می‌کنند هست، بسیار مهم‌تر از شباهت واقعی و عینی می‌باشد (هیتلین، ۲۰۰۶).

جدول ۶ حاوی نکات مهم و قابل توجه در خصوص شباهت‌ها و تفاوت‌های ارزش‌های جامعه‌پذیری در کشورهای مورد بررسی است.

جدول ۶: طبقه‌بندی کشورها بر اساس مهم‌ترین ارزش‌های خانوادگی

کشورها	ارزش‌ها
عراق، مصر، پاکستان، اردن، مراکش، الجزایر، ایران، عربستان	ایمان
عربستان	اطاعت
مصر، اسرائیل، عربستان، آذربایجان	استقلال
قرقیزستان، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان، ترکیه، مراکش، الجزایر، ایران، پاکستان	سخت‌کوشی
ارمنستان	پشتکار
پاکستان	قناعت
اسرائیل، عراق، اردن، مراکش، قرقیزستان، مصر، ترکیه، گرجستان	گذشت
-----	عدم خودخواهی
قرقیزستان، عراق، ارمنستان، گرجستان، ایران، آذربایجان، اسرائیل، اردن، ترکیه، الجزایر	احساس مسئولیت

در این جدول تنها ۳ ارزش مهم هر کشور استخراج شده است. در نگاه اول مشاهده می‌شود که چهار ویژگی عمده که در اغلب کشورهای مورد بررسی به عنوان ارزش‌های مهم قابل انتقال به کودکان شناخته شده‌اند عبارتند از احساس مسئولیت، سخت‌کوشی، ایمان و بالاخره گذشت و احترام به دیگران. به علاوه عدم خودخواهی تنها ویژگی است که در هیچ‌کدام از کشورها به عنوان یک ویژگی مهم تلقی نشده است. بقیه ویژگی‌های مطرح شده - همان‌طور که مشاهده می‌شود - در تعداد کمتری از کشورها یکی از سه ارزش مهم جامعه‌پذیری هستند.

همان‌طور که در جدول نشان داده شده، احساس مسئولیت در بین ده کشور از چهارده کشور بررسی شده به عنوان یکی از سه ویژگی مهمی است که پاسخگویان معتقدند باید در خانواده به فرزندان یاد داده شود. اما با تأمل بیشتر در چهار کشوری که این ویژگی جزء سه ویژگی مهم در نظر آن‌ها نیست - یعنی مراکش، عربستان، مصر و پاکستان - در می‌یابیم که در هر چهار کشور مذکور بیش از ۵۰ درصد مردم احساس مسئولیت را یک ویژگی مهم می‌دانند که باید در خانواده به کودکان آموخته شود. سخت‌کوشی به عنوان دومین ویژگی ارزشمند در ۹ کشور به عنوان خصوصیت مهم تلقی شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود این ویژگی در همه کشورهای آسیای میانه و به علاوه در ترکیه، مراکش، الجزایر، ایران و پاکستان جزء یکی از سه ویژگی مهم تلقی شده است.

یکی دیگر از ارزش‌های مهم در منطقه، گذشت و احترام به دیگران می‌باشد که به ترتیب در اسرائیل، عراق، اردن، مراکش، قرقیزستان، مصر، ترکیه و گرجستان اهمیت زیادی دارد. در بقیه کشورها هم با این‌که گذشت جزء سه ویژگی مهم نیست اما درصد بالایی از مردم آن کشورها به اهمیت این ویژگی اشاره کرده‌اند. برای مثال در آذربایجان ۵۹ درصد و در ایران، الجزایر و پاکستان ۵۳ درصد از پاسخگویان آن را در جریان تربیت فرزندان لازم و ضروری دانسته‌اند. ایمان و اعتقادات مذهبی بدون تردید مهم‌ترین ویژگی است که در اکثر کشورهای عربی خاورمیانه و به علاوه پاکستان و ایران به آن اشاره شده است. اما همان‌طور که پیش از این گفته شد در کشورهای آسیای میانه اعتقادات مذهبی چندان با اهمیت نیستند. این مسئله البته در اسرائیل و با شدت کمتری در ترکیه هم صادق بوده است.

اطاعت از والدین تنها در عربستان جزء یکی از سه خصوصیت مهم برای بچه‌ها شناخته شده است. اما داده‌ها نشان می‌دهند که این ویژگی در کشورهای نظیر عراق، الجزایر و مصر اتفاقاً اهمیت بیشتری نسبت به عربستان دارند. در واقع همان‌طور که خدائی و همکاران (۱۳۸۶) اشاره کرده‌اند مشاهده می‌شود که مصر و عربستان دو کشوری هستند که هم اطاعت و هم استقلال که به آن اشاره خواهد شد جزء ارزش‌های مهم جامعه‌پذیری برای آنان بوده است. اما این ویژگی در ایران، اسرائیل و برخی کشورهای آسیای میانه جزء ارزش‌های مهم نیست. استقلال تنها در چهار کشور مصر، اسرائیل، عربستان و آذربایجان اهمیت زیادی داشته است. اگرچه در قرقیزستان، گرجستان و ایران هم تعداد قابل توجهی از پاسخگویان آن را مهم ارزیابی کرده‌اند.

پشتکار ویژگی دیگری است که در ارمنستان جزء سه ارزش مهم می‌باشد اگرچه اهمیت آن در قرقیزستان و آذربایجان هم نباید نادیده گرفته شود. قناعت تنها در پاکستان یکی از ویژگی‌های مهم قابل انتقال در خانواده مطرح بوده است. البته در این‌جا هم آذربایجان کشوری است که اهمیت این ویژگی در آن قابل توجه می‌باشد. عدم خودخواهی تنها ویژگی است که در هیچ کدام از کشورها جزء ویژگی‌های مهم جامعه‌پذیری شناخته نشده است.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد ما در این‌جا به دنبال چرایی این شباهت‌ها و تفاوت‌ها نبودیم و این پژوهش تنها در صدد بود که تصویری از حقایقی که در کشورهای مورد بررسی وجود دارند را به دست دهد. بدیهی است که همه این‌ها می‌توانند به عنوان سؤالی برای تحقیقات آینده مطرح شود و تلاشی برای تبیین و توضیح این وضعیت‌ها باشند. نکته‌ای که در پایان به نظر می‌رسد باید به آن تأکید شود این است که ترجیح برخی از این ویژگی‌ها در این کشورها نمی‌تواند دال بر این باشد که نظام ارزشی این کشورها این‌گونه است. اگرچه در مورد ویژگی‌هایی چون اعتقادات مذهبی در خاورمیانه می‌توان این‌طور فرض کرد اما در مورد برخی دیگر از ویژگی‌ها به نظر می‌رسد که این انتخاب‌ها بیشتر از آن‌که تصویری از ارزش‌های موجود در این جوامع به دست دهند، حاکی از احساس نیاز مردم این کشورها به وجود و اشاعه چنین ارزش‌هایی باشند. هم‌چنین می‌توان از تأکید برخی از کشورها به ارزش‌هایی خاص، به حافظه تاریخی آن کشور و نحوه تربیت والدین و یا اهمیت فرهنگ مسلط کنونی پی برد که سعی در تأکید و یا انتقال برخی ارزش‌ها دارد، و این‌که احساس نیاز افراد در پاسخ به برخی نیازهای محیطی سبب شده است بر ارزش‌هایی خاص تأکید کمتر و یا بیشتر شود. به عبارتی دیگر فرایند جامعه‌پذیری متأثر از ارزش‌های فرهنگی مسلط در جامعه است.

پی‌نوشت‌ها

1. Marini
2. Shanahan
3. Obedience
4. Conformity
5. Autonomy
6. Self-Direction
7. Melvin Kohn
8. Socioeconomic Status
9. GATCR
10. Assertive
11. Emotional Tenor

۱۲. زیو (۱۹۹۹) با استناد به هو (۱۹۹۴)

۱۳. زیو (۱۹۹۹) با استناد به ساساکی و سوزوکی (۱۹۸۷) و وارنر (۱۹۹۳)

14. Menaghan and Parcel
15. Self-constraint
16. Care orientation/affiliation versus an emphasis on achievement/competition
17. Schaefer and Edgerton
18. Schwartz

۱۹. هم‌چنین مراجعه شود به مرتضوی، ۱۳۸۶: ص ۳۸-۳۹

منابع

- خدائی، ا.، معدنی‌پور، ع.، و نقدی، و. (۱۳۸۶). والدین، نوجوانان، ارزش‌های خانوادگی؛ ترجیح اطاعت یا استقلال، تحلیل تطبیقی کشورهای منتخب خاورمیانه. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۲، ۷۹۱-۸۱۰.
- مرتضوی، ش. (۱۳۸۶). *روانشناسی اجتماعی: نمونه‌هایی از پژوهش‌های درون و بین فرهنگی*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- Adams, M., Coltrane, S., & Parke, R. D. (2007). Cross-ethnic applicability of the gender-based attitudes toward marriage and child rearing scales. *Sex Roles*, 56, 325-339.
- Alwin, D. F. (1990). Cohort replacement and changes in parental socialization values. *Journal of Marriage and the Family*, 52(2), 347.
- Alwin, D. F. (1989). Changes in qualities valued in children in the United States, 1964 to 1984. *Social Science Research*, 18(3), 195-236.
- Chin, T., & Phillips, M. (2004). Social reproduction and child-rearing practices: Social class, children's agency, and the summer activity gap. *Sociology of Education*, 77(3), 185.
- Chin-Chun, Y., Chin-Fen, C., & Ying-Hwa, C. (2004). The intergenerational transmission of family values: A comparison between teenagers and parents in Taiwan. *Journal of Comparative Family Studies*, 35(4), 523.
- Ellison, C. G., & Sherkat, D. E. (1993). Obedience and autonomy: Religion and parental values reconsidered. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 32(4), 313-329.
- Gerris, J. R. M., Deković, M., & Janssens, J. M. A. M. (1997). The relationship between social class and childrearing behaviors: Parents' perspective taking and value orientations. *Journal of Marriage and the Family*, 59(4), 834-847.
- Hitlin, S. (2006). Parental influences on children's values and aspirations: Bridging two theories of social class and socialization. *Sociological Perspectives*, 49(1), 25-46.
- Kasser, T., Koestner, R., & Lekes, N. (1999). *Early family experiences and adult values: A 26-Year, prospective longitudinal study* [On-line]. Available: <http://psp.sagepub.com/cgi/content/abstract/28/6/826>
- Kohn, M. L., Slomczynski, K. M., & Schoenbach, C. (1986). Social stratification and the transmission of values in the family: A cross-national assessment. *Sociological Forum*, 1(1), 73-102.
- Luster, T., Rhoades, K., & Haas, B. (1989). The relation between parental values and parenting behavior: A test of the Kohn hypothesis. *Journal of Marriage and the Family*, 51(1), 139-147.
- Mosby, L., Warfield R. A., Meehan, A. J., Mays, E., & Petinary, J. C. (1999). Troubles in interracial talk about discipline: An examination of African American child rearing narratives. *Journal of Comparative Family Studies*, 30(3), 489.
- Pearlin, L. I., & Kohn, M. L. (1966). Social class, occupation, and parental values: A cross-national study. *American Sociological Review*, 31(4), 466-479.
- Tamar, K. S., & Jeemin, L. K. (2007). Lessons from sports: Children's socialization to values through family interaction during sports activities. *Discourse Society*, 18, 35.

- World Values Survey. (2009). 1981-2008 OFFICIAL AGGREGATE v.20090901, World Values Survey Association (www.worldvaluessurvey.org). *Aggregate File Producer*: ASEP/JDS, Madrid.
- Xiao, H. (1999). Independence and obedience: An analysis of child socialization values in the united states and china. *Journal of Comparative Family Studies*, 30(4), 641.
- Xiao, H. (2000). Class, gender, and parental values in the 1990s. *Gender and Society*, 14(6), 785-803.
- Yearwood, E. L. (2001). Growing up children: Current child-rearing practices among immigrant Jamaican families. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing*, 14(1), 7.